

بررسی رابطه بین حاکمیت شرکتی، کمیته حسابرسی و افشای اختیاری در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران

فرشاد گنجی، کارشناس ارشد حسابداری، عضو انجمن حسابداری ایران

چکیده- هدف از انجام پژوهش حاضر بررسی رابطه بین حاکمیت شرکتی، کمیته حسابرسی و افشای اختیاری در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد. معیارهای حاکمیت شرکتی اندازه هیات مدیره، استقلال هیات مدیره، استقلال رییس هیات مدیره و دوگانگی وظیفه مدیرعامل و معیارهای کمیته حسابرسی اندازه کمیته حسابرسی و استقلال کمیته حسابرسی می‌باشد. برای اندازه‌گیری افشای اختیاری از چک‌لیست ارائه شده توسط کاشانی‌پور و همکاران (۱۳۸۸) استفاده شده است. جامعه آماری تحقیق کلیه شرکت‌های بورس اوراق بهادار تهران در دوره زمانی ۱۳۹۱ الی ۱۳۹۴ بوده است. تعداد نمونه آماری پس از اعمال محدودیت‌های لازم برای انتخاب جامعه آماری ۷۰ شرکت بود. در این تحقیق جهت پردازش اولیه داده‌ها از نرم‌افزار اکسل و برای تجزیه تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار Eviews ۷ استفاده شده است. در این تحقیق از روش رگرسیون خطی مرکب به روش ترکیبی یا Data panel جهت ارزیابی رابطه بین متغیرها استفاده می‌شود. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که متغیرهای استقلال هیات مدیره، اندازه کمیته حسابرسی و استقلال کمیته حسابرسی با افشای اختیاری رابطه معناداری داشته است.

واژه‌های کلیدی: حاکمیت شرکتی، کمیته حسابرسی، افشای اختیاری

مقدمه

در سال‌های اخیر توجه بازار سرمایه و فعالان به حاکمیت شرکتی و افشای اطلاعات به عنوان دو عامل مهم در نظر گرفته شده است. سرمایه‌گذاران منطقی بر اساس اطلاعاتی که در دسترس آنها می‌باشد، اقدام به سرمایه‌گذاری می‌نمایند. لذا اطلاعات یکی از مهمترین ابزارهای تصمیم‌گیری در سرمایه‌گذاری می‌باشد. حال آیا اطلاعات موجود در دست سرمایه‌گذاران بر اساس اطلاعات نهانی و یا پاره‌ای از اطلاعات منتشر شده در بازار می‌باشد؟ در واقع وجود عدم تقارن اطلاعاتی در بازار منجر به وقوع معاملاتی با هدف کسب سود یا پیشگیری از رخداد زیان برای اشخاص خاص، افزایش هزینه-

های معاملات، ضعف بازار، نقدینگی پایین و به طور کلی کاهش سود حاصل از معاملات در جامعه خواهد شد. این نوع از معاملات شفافیت بازار را زیر سؤال برده و در نهایت، امنیت سرمایه‌گذاری و اعتماد بازار را متزلزل می‌کند.

حفظ سرمایه‌گذاران در بازارهای مالی نه تنها نیازمند عدم ارائه اطلاعات محرمانه توسط منتشرکنندگان اطلاعات به بیرون می‌باشد، بلکه می‌بایست، تا حد امکان افشاء به صورت همزمان و سریع بین تمام طبقات سرمایه‌گذاران در تمامی نقاطی که برای دریافت این اطلاعات وجود دارند، صورت پذیرد. به عبارت دیگر یکی از بهترین مکانیزم‌های کاهش نابرابری اطلاعاتی در بازار سرمایه حذف ریشه‌های نابرابری اطلاعاتی (رانت اطلاعاتی سهامداران مطلع) است. این عمل در جهت دسترسی یکسان به اطلاعات محرمانه ضروری است تا بتوان تساوی نشر اطلاعات شرکت را در بین سرمایه‌گذاران، چه سهامداران عمده و چه سهامداران جزء برقرار نمود. در واقع بخش حاکمیتی شرکت‌ها که اعضای هیات مدیره و سهامداران عمده آن را تشکیل می‌دهند، متولی ارائه این نوع از اطلاعات به بازار سرمایه می‌باشند. این امکان وجود دارد که مدیران (و نیز سهامداران عمده) به منظور افزایش ثروت خود اقداماتی را در خلاف جهت منافع سهامداران جزء و افراد خارج از سازمان انجام دهند. برای پیشگیری از وقوع چنین مواردی دو مکانیزم کنترلی در سطح شرکت‌ها قابل اجرا است: الف) مکانیزم کنترل داخلی؛ یعنی استقرار اعضای غیرموظف در هیات مدیره و ب) مکانیزم کنترل خارجی؛ یعنی افشای اختیاری اطلاعات علاوه بر اطلاعاتی که مطابق الزامات قانونی به بازار عرضه می‌گردد. با وجود چنین مواردی در راستای شفافیت بازار بسیاری از محققان علاقه‌مند در سرتاسر جهان، به طور فزاینده‌ای در تحقیقات خود مکانیزم‌های کنترل را مورد توجه خود قرار داده‌اند. این پژوهش نیز سعی دارد به طور تجربی رابطه بین حاکمیت شرکتی و کمیته حسابرسی با افشای اختیاری بررسی گردد.

افشای اختیاری یک مکانیزم کنترل خارجی است که می‌کوشد مشکلات تئوری نمایندگی بین سهامداران عضو و غیرعضو هیات مدیره را از طریق فراهم کردن اطلاعات مربوط به نتایج مالی و غیرمالی تهیه شده توسط مدیران، کاهش دهد. در تئوری نمایندگی فرض بر این است که افراد عضو (دارندگان اطلاعات نهانی) تمایل به فراهم نمودن اطلاعات در خصوص فعالیت‌هایشان به جای واگذار کردن این وظیفه به سهامداران غیرعضو را دارند، چراکه هزینه‌های ناشی از حضور مدیران برای افشاء

چنین اطلاعاتی (معروف به هزینه‌های تعهد) کمتر از هزینه‌های که برای کنترل فعالیت‌های افراد عضو توسط اعضای غیرعضو (معروف به هزینه‌های نظارت) تحمل می‌شود، خواهد بود (فاما و جنسن، ۱۹۸۳).

طبق تئوری نمایندگی، مدیران غیرموظف و مکانیزم‌های کنترل از جمله افشاسازی، قادر به کاهش هزینه‌های ناشی از تضاد منافع بین مالکیت و مدیریت می‌باشند. شماری از مطالعات تجربی صورت گرفته تایید می‌کنند که احاطه مدیران غیرموظف (مستقل) عملاً در کاهش مشکلات نمایندگی، مؤثر است. چندین مطالعه تجربی دیگر نشان می‌دهند که افشاسازی نیز در کاهش هزینه‌های نمایندگی بکار می‌رود که البته این موضوع با آنچه توسط تئوری نمایندگی پیش‌بینی شده است سازگار می‌باشد.

علی‌رغم وجود شمار زیادی از تحقیقات در زمینه مکانیزم‌های کنترل، تاکنون شواهد کمی در خصوص رابطه بین حاکمیت شرکتی و افشای داوطلبانه فراهم شده است. تحقیقات تجربی پیشین، در خصوص رابطه بین این مکانیزم‌ها تا حدودی محدود بوده و نتایج متضادی را در پی داشته است. کمبود چشمگیر کارهای علمی انجام شده در این زمینه، ضرورت انجام تحقیق تجربی درخصوص رابطه بین سطح افشای اختیاری و متغیرهای حاکمیت شرکتی را تایید می‌کند. با اینکه در برخی از مطالعات اخیر نقش اعضای مستقل هیات مدیره را به عنوان عامل کاهنده تضاد منافع بین سهامداران عمده و سهامداران اقلیت مورد تایید قرار گرفته است. با این حال، در این شرایط، عملکرد سهامداران عمده، دارای اثر دومینو می‌باشد، چرا که ریسک تبانی بین آنها و اعضای غیرموظف هیات مدیره نیز وجود دارد و لذا ممکن است بطور بالقوه زمینه تضعیف ایفای نقش مکانیزم‌های کنترل را فراهم نمایند (پارچینی، ۱۳۸۸).

اعضای غیرموظف هیات مدیره و افشای اختیاری به عنوان مکانیزم‌های کنترل می‌کوشند مشکلات نمایندگی ناشی از تفکیک بین مالکیت و مدیریت را کاهش دهند. این مکانیزم‌ها به منظور کسب اطمینان از هم‌راستا بودن عمل مدیریت با منافع مالکان بکار گرفته می‌شوند. اعضای غیرموظف هیات مدیره یکی از اساسی‌ترین مکانیزم‌های کنترل داخلی می‌باشند، چرا که توسط سهامداران به منظور تصمیم‌گیری و به نمایندگی از طرف آنها تعیین می‌شوند. بنابراین، انتظار می‌رود که به عنوان ناظر رفتار مدیران از طرف مالکان موثر باشند. هرچند اثربخشی اعضای مستقل هیات مدیره زمانی که جزو مدیران شرکت نیز باشند، می‌تواند محدود شود. از سوی دیگر، مدیران ارشد اغلب در هیات مدیره

عضو می‌باشند، چرا که دارای اطلاعات ارزشمندی برای تصمیم‌گیری و دارای آگاهی کامل در زمینه فعالیت‌های شرکت هستند. چنانکه توسط فاما و جنسن^۱ بیان شده، گستردگی مدیران ارشد (موظف) در هیات مدیره ممکن است منجر به تبانی و انتقال ثروت سهامداران گردد.

در برخی شرکت‌ها، هیات مدیره شامل اعضای است که همزمان به عنوان مدیر و سهامدار می‌باشند. در چنین مواردی ریسک انتقال ثروت از مالکان به مدیران کاهش یافته، اما امکان افزایش ریسک جدید، یعنی ریسک انتقال ثروت از سهامداران اقلیت (غیرعضو) به سهامداران اکثریت (عضو) با کنترل بیشتر (یا استفاده از اطلاعات نهانی) وجود دارد. برای کاهش این ریسک‌ها، هیات مدیره معمولاً شامل تعدادی اعضای مستقل می‌باشد، که افراد حرفه‌ای بوده و با هیچکدام از مدیران موظف و محیط تجاری یا مالکان وابسته به شرکت، ارتباط ندارند، بلکه تنها به واسطه مهارت عالی و تخصص، حمایت می‌شوند. انتظار می‌رود حاکمیت شرکتی دارای نقش ویژه‌ای در تضمین قانونی بودن امور و محدود کردن مشکلات نمایندگی داشته باشد، از این رو ریسک تبانی توسط مدیران ارشد و سهامداران کنترلی کاهش می‌یابد. تحقیقات تجربی، تئوری «وجود اعضای غیرموظف هیات مدیره (مدیران مستقل) احتمال وقوع تحریف در صورت‌های مالی را کاهش می‌دهد» را حمایت می‌کنند. همچنین وجود اعضای فوق در کاهش هزینه‌های نمایندگی موثر است. با توجه به مطالب فوق در این تحقیق به بررسی رابطه بین حاکمیت شرکتی، کمیته حسابرسی و افشای اختیاری در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداخته شده است.

پیشینه پژوهش

نتایج پژوهش حسین و همایی (۲۰۰۹) در قطر بیانگر نبود رابطه بین سودآوری (به عنوان متغیر مستقل) با افشای داوطلبانه است. در پژوهشی جیو (۲۰۱۱) رابطه بین رتبه‌های افشا و عملکرد عملیاتی شرکت‌ها را بررسی کرد. نتایج بیانگر رابطه مثبت بین رتبه‌های افشا (به عنوان متغیر مستقل) با معیارهای عملکرد عملیاتی (تحقیق و توسعه، رشد فروش و حاشیه سود خالص) بود.

یاتریدیس و آلکساکیس (۲۰۱۲) انگیزه‌های افشای داوطلبانه و تفاوت‌های افشای داوطلبانه و غیر داوطلبانه را در بازار بورس آتن بررسی کردند. نمونه‌ی این پژوهش شامل ۱۷۱ شرکت یونانی برای

دوره‌ی چهار ساله ۲۰۰۶ تا ۲۰۰۹ بود. یافته‌های پژوهش نشان داد که افشای داوطلبانه دلالت بر سود و رشد بالاتر شرکت‌ها و نشان دهنده‌ی "اخبار خوب" مربوط به شرکت است. همچنین بر طبق یافته‌های این پژوهش، افشای داوطلبانه با مدیریت سود رابطه منفی دارد.

اگستر و وانگر (۲۰۱۳) به بررسی کیفیت افشای داوطلبانه، عملکرد عملیاتی و ارزشیابی بازار سهام پرداختند. عملکرد عملیاتی براساس سه معیار حاشیه سود خالص، نسبت سود به حقوق صاحبان سهام و رشد فروش اندازه‌گیری شده است. نتایج براساس سال‌های ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۷ نشان‌دهنده رابطه مثبت بین معیارهای عملکرد عملیاتی (به عنوان متغیر مستقل) با افشای داوطلبانه است. اویار و همکاران (۲۰۱۳) به بررسی رابطه ویژگی‌های شرکت و سطح افشای داوطلبانه شرکت‌ها در بورس ترکیه پرداختند. نتایج بیانگر آن بود که بین اندازه شرکت، اندازه موسسه حسابرسی، اعضای مستقل هیئت مدیره و مالکیت شرکتی با سطح افشای داوطلبانه (متغیر وابسته) رابطه مثبت وجود دارد. همچنین بین معیار سودآوری و اندازه هیئت مدیره با سطح افشای داوطلبانه رابطه معناداری مشاهده نشد.

الگرینی و گریکو (۲۰۱۳) تحقیقی با عنوان حاکمیت شرکتی، کمیته حسابرسی و افشای اختیاری در شرکت‌های ایتالیا انجام دادند. تعداد نمونه تحقیق ۱۷۷ شرکت و تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از تکنیک داده‌های پانل انجام شد. نتایج تحقیق نشان داد، نتایج تحقیق نشان داد متغیرهای اندازه هیات مدیره، دوگانگی وظیفه مدیرعامل، استقلال کمیته حسابرسی و تعداد جلسات اعضای کمیته حسابرسی با افشای اختیاری رابطه معناداری داشتند.

فخاری و فلاح‌محمدی (۱۳۸۸) به بررسی تأثیر افشای اطلاعات بر نقدشوندگی سهام شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. در این پژوهش، میزان افشا از طریق چک‌لیستی که بر مبنای افشای اختیاری و استانداردهای الزامی سازمان حسابرسی تنظیم گردیده، اندازه‌گیری شده است. یافته‌های بررسی ۱۱۲ شرکت در سال ۱۳۸۶ حاکی از آن است که ارتباط معکوس و معناداری بین افشای اطلاعات و شاخص نقدشوندگی سهام وجود دارد. مهدوی‌پور و همکاران (۱۳۸۹) به بررسی "عوامل مؤثر بر افشای اطلاعات مالی از طریق اینترنت در وبسایت شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران" پرداختند. یافته‌های بررسی ۱۰۰ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران حاکی از آن است که بین افشای اطلاعات مالی از طریق اینترنت (متغیر وابسته) با اندازه، اهرم و نوع صنعت رابطه معناداری وجود دارد. با این وجود ارتباطی بین افشای اطلاعات مالی از طریق

اینترنت و سودآوری مشاهده نشد. خدای پور و محرومی (۱۳۹۱) تأثیر افشای داوطلبانه را بر مربوط بودن سود هر سهم بررسی کردند. جامعه مورد بررسی شامل کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران و دوره زمانی تحقیق از ابتدای سال ۱۳۸۶ تا پایان سال ۱۳۸۹ می‌باشد. نتایج بیانگر آن بود که افشای داوطلبانه اثر معناداری بر مربوط بودن سود هر سهم ندارد. با توجه به پیشینه و مبانی نظری مطرح شده در بخش مقدمه پژوهش، افشای داوطلبانه می‌تواند بر عملکرد مالی شرکت‌ها اثرگذار باشد. پژوهش حاضر به بررسی رابطه افشای داوطلبانه بر عملکرد مالی شرکت‌های بورس اوراق بهادار تهران می‌پردازد. ستایش و دیگران (۱۳۹۳) تحقیقی با عنوان بررسی ارتباط بین افشای داوطلبانه و عملکرد شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران انجام دادند. نتایج براساس ۸۰ شرکت در دوره زمانی ۱۳۸۱ تا ۱۳۹۰ نشان می‌دهد که رابطه معناداری بین افشای داوطلبانه با بازده دارایی‌ها و بازده حقوق صاحبان سهام وجود ندارد؛ اما رابطه مثبت معناداری بین افشای داوطلبانه و نمرات کارایی محاسبه شده به وسیله تکنیک تحلیل پوششی داده‌ها به عنوان معیار جامع عملکرد است.

فرضیه‌های پژوهش

- فرضیه اول: بین استقلال هیات مدیره و افشای اختیاری رابطه معناداری وجود دارد.
- فرضیه دوم: بین اندازه هیات مدیره و افشای اختیاری رابطه معناداری وجود دارد.
- فرضیه سوم: بین دوگانگی وظیفه مدیرعامل و افشای اختیاری رابطه معناداری وجود دارد.
- فرضیه چهارم: بین استقلال رییس هیات مدیره و افشای اختیاری رابطه معناداری وجود دارد.
- فرضیه پنجم: بین تعداد اعضای کمیته حسابرسی و افشای اختیاری رابطه معناداری وجود دارد.
- فرضیه ششم: بین استقلال کمیته حسابرسی و افشای اختیاری رابطه معناداری وجود دارد.

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از لحاظ هدف جنبه کاربردی داشته و بدان علت که داده‌های پژوهش متعلق به دوره‌های گذشته و بدون دخالت محقق گردآوری شده است، در گروه تحقیقات پس رویدادی و نیمه تجربی طبقه‌بندی می‌شود. با توجه به تجزیه و تحلیل روابط بین متغیرهای مستقل و وابسته از نوع همبستگی می‌باشد. در این پژوهش برای گردآوری داده‌های مورد نظر، از روش کتابخانه‌ای استفاده گردید. در بخش کتابخانه‌ای، مبانی نظری پژوهش از کتب و مجلات تخصصی جمع‌آوری گردید و

سپس داده‌های موردنظر شرکت‌های منتخب با مراجعه به صورت‌های مالی، یادداشت‌های توضیحی استخراج گردید. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها و آزمون فرضیه‌ها، روش رگرسیون داده‌های پانل و نرم‌افزار Eviews7 مورد استفاده قرار گرفت. قلمرو زمانی این پژوهش سال ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۴ برای یک دوره ۴ ساله است. جامعه آماری تحقیق کلیه شرکت‌های بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد.

متغیرها و مدل‌های پژوهش

$$DSCORE_{i,t} = \alpha_0 + \beta_1 IND_{i,t} + \beta_2 BoardSize_{i,t} + \beta_3 DUAL_{i,t} + \beta_4 LEAD_{i,t} + \beta_5 BoardCommittee_{i,t} + \beta_6 IndCommittee_{i,t} + \beta_7 Size_{i,t} + \beta_8 LEV_{i,t} + \beta_9 ROA_{i,t} + \beta_{10} OWN_{i,t} + \epsilon_{i,t}$$

افشای اختیاری (DSCORE)

برای اندازه‌گیری افشای اختیاری از چک‌لیست بوتوسان که توسط کاشانی‌پور و همکاران استفاده شد، استفاده خواهد شد، نحوه اندازه‌گیری بدین صورت است که پس از مشخص شدن شاخص‌های ۷۱ گانه زیر برای هر شرکت در هر سال از میانگین نمره کسب شده هر شرکت در هر سال به عنوان معیار افشای اختیاری استفاده خواهد شد.

پیشینه‌ی اطلاعاتی: خلاصه‌ای از فعالیت‌ها، بیان اهداف، یا طرح‌ها، بیان کلی استراتژی، اقدامات انجام شده در طی سال برای دستیابی به اهداف، اقدامات برنامه‌ریزی شده برای دستیابی در سالهای آتی، برنامه‌ی زمانی برای دستیابی به اهداف، محیط رقابتی، تاثیر رقابت بر سودهای جاری، تاثیر رقابت بر سودهای آتی، توصیف کلی شرکت، محصولات یا خدمات اصلی تولید شده، مشخصه‌های ویژه‌ی آنها، بازارهای اصلی، تشریح کارخانجات، ساختار سازمانی و چارت سازمانی مدیریت

خلاصه‌ای از عملکرد تاریخی: نسبت‌های سوددهی، نسبت‌های ساختار مالی، نسبت‌های نقدینگی، پیش‌بینی سود هر سهم، سنجش فروش‌ها، سنجش سود عملیاتی، سنجش سود خالص
آمارهای کلیدی غیرمالی: میانگین حقوق هر کارمند، میانگین سن کارکنان کلیدی، سهم از بازار محصولات، واحدهای فروش رفته مربوط به محصولات، قیمت فروش هر واحد، میزان رشد در واحدهای فروش رفته، فروش سربه‌سر مربوط به محصولات، زمان انجام تولید، تشریح روش‌ها، تشریح مشتری‌ها

اطلاعات بخش‌ها: تشریح دارایی‌ها، بدهی‌ها، استهلاک، سود عملیاتی، سرمایه‌گذاری، تحقیق و توسعه

توسعه

اطلاعات پیش‌بینی: مقایسه پیش‌بینی‌های قبلی با سودهای واقعی، مقایسه‌ی پیش‌بینی قبلی فروش‌ها با فروش‌های واقعی، تاثیر فرصت‌های موجود بر فروش‌ها، تاثیر پوشش ریسک شرکت بر فروش‌ها، پیش‌بینی سهم از بازار، پیش‌بینی گردش وجه نقد؛ پیش‌بینی مخارج سرمایه‌ای، پیش‌بینی مخارج تحقیق و توسعه، پیش‌بینی سودهای آتی و پیش‌بینی فروش‌های آتی

بحث و تحلیل مدیریت: تغییر در فروش‌ها، درآمد عملیاتی، بهای تمام شده کالای فروش رفته، بهای تمام شده کالای فروش رفته به عنوان درصدی از فروش‌ها، سود ناخالص، سود ناخالص به عنوان درصدی از فروش‌ها، هزینه‌های اداری، هزینه بهره و درآمد بهره، موجودی کالا، حساب‌های دریافتی، مخارج سرمایه‌ای، مخارج تحقیق و توسعه، سهم از بازار، نسبت‌های ساختار مالی، نسبت‌های نقدینگی، پیش‌بینی سود هر سهم

متغیرهای مستقل

IND، تعداد مدیران غیرموظف در هیات مدیره تقسیم بر تعداد کل مدیران هیات مدیره
اندازه هیات مدیره (BOARD SIZE)، برابر است با تعداد اعضای هیات مدیره
دوگانگی وظیفه مدیرعامل (DUAL)، اگر مدیرعامل و رییس هیات مدیره یکی باشد عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر می‌گیرد.
استقلال رییس هیات مدیره (LEAD)، اگر رییس هیات مدیره از مدیران غیرموظف باشد عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر می‌گیرد.
تعداد اعضای کمیته حسابرسی (BOARD COMMITTEE)، برابر است با لگاریتم تعداد اعضای هیات مدیره
استقلال کمیته حسابرسی (IndCommittee)، اعضای غیرموظف کمیته حسابرسی تقسیم بر تعداد اعضای کمیته حسابرسی

متغیرهای کنترل

اندازه شرکت (SIZE)، لگاریتم طبیعی مجموع دارایی‌ها در پایان سال جاری
نسبت بدهی‌ها (LEV)، مجموع ارزش دفتری بدهی‌ها تقسیم بر مجموع ارزش دفتری دارایی‌ها در پایان سال
سودآوری (ROA)، سود خالص تقسیم بر مجموع ارزش دفتری دارایی‌ها در پایان سال
تمرکز مالکیت (OWN)، مجموع سهام در دست سهامداران عمده (بالای ۵ درصد) تقسیم بر تعداد کل سهام شرکت

آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

آمار توصیفی شامل میانگین، میانه، بیشترین، کمترین و انحراف استاندارد متغیرها می‌باشد. نتایج نشان می‌دهد که مقدار میانگین افشای اختیاری ۳۴ درصد و میزان پراکندگی متغیر فوق ۷ درصد می‌باشد. استقلال هیات مدیره نیز نشان‌دهنده این است که حدود ۷۵ درصد از اعضای هیات مدیره دارای استقلال و از اعضای غیرموظف می‌باشند. دوگانگی وظیفه مدیرعامل نیز مقدار ۲۱ درصد می‌باشد که یک پنجم از کل نمونه مدیرعامل و رییس هیات مدیره یکی هستند. همچنین حدود ۴۰ درصد از اعضای کمیته حسابرسی نیز غیرموظف و دارای استقلال می‌باشند. استقلال رییس هیات مدیره نیز نشان می‌دهد که حدود ۶۰ درصد از روسای هیات مدیره نیز غیرموظف و دارای استقلال هستند.

جدول ۱. آمار توصیفی متغیرها

شرح	میانگین	میانه	بیشترین	کمترین	انحراف استاندارد
افشای اختیاری	۳۴	۳۳	۵۶	۱۱	۰/۰۷
استقلال هیات مدیره	۷۵	۷۰	۱	۰	۰/۱۶۴
لگاریتم تعداد اعضای هیات مدیره	۲/۶۳۵	۲/۶۲۱	۲/۹۴۵	۲/۳۲۰	۰/۰۴۵
دوگانگی وظیفه مدیرعامل	۲۱۴	۱	۱	۰	۰/۰۹۵
استقلال رییس هیات مدیره	۶۲۱	۱	۱	۰	۰/۰۶۱
لگاریتم اعضای کمیته حسابرسی	۱/۱۱	۱/۰۹	۱/۶۱	۱/۰۹	۰/۰۷
استقلال کمیته حسابرسی	۳۹	۳۳	۱	۰	۰/۱۹
اندازه شرکت	۱۴/۰۶	۱۳/۶۳	۱۸/۵۳	۱۰/۵۳	۱/۶۸
نسبت بدهی‌ها	۵۷	۵۹	۱/۴۹	۰/۰۶	۰/۲۶
سودآوری	۱۱۲	۱۰۹	۴۵۱	-۱۲۴	۰/۱۶۵
تمرکز مالکیت	۷۲	۷۵	۹۸	۱۴	۰/۲۴

آزمون F لیمر

آزمون F لیمر به منظور انتخاب نوع داده‌ها بین اثرات تلفیقی و اثرات داده‌های پانل انجام می‌گردد. نتایج در جدول (۲) دیده می‌شود، در سطح اطمینان ۹۵ درصد، در مدل پژوهش فرض صفر آزمون رد شده است، بنابراین باید از روش داده‌های پانل استفاده نمود. در نتیجه بحث انتخاب از بین مدل‌های اثرات ثابت و تصادفی پیش می‌آید که برای این منظور از آزمون هاسمن استفاده می‌شود.

جدول ۲. نتایج آزمون F (لیمر) برای انتخاب روش ترکیبی (Pooling) یا تلفیقی (Panel)

شرح	فرضیه صفر (H_0)	آماره	درجه آزادی	p-value	نتیجه آزمون
آزمون لیمر (روش Pooling مناسب است)	اثرات خاص شرکت معنی‌دار نیستند	۱۱/۸۶	۶۹	./۰۰۰	H_0 رد می‌شود (روش داده‌های پانل انتخاب می‌شود)

آزمون هاسمن

برای انتخاب بین مدل اثرات تصادفی یا اثرات ثابت از آزمون هاسمن استفاده می‌شود. نتایج جدول، بیانگر آن است که در مدل پژوهش باید از روش اثرات ثابت استفاده نمود.

جدول ۳. نتایج آزمون هاسمن برای انتخاب بین مدل اثرات ثابت و اثرات تصادفی

شرح	فرضیه صفر (H_0)	آماره کای دو	درجه آزادی	p-value	نتیجه آزمون
آزمون هاسمن	روش اثرات تصادفی مناسب است	۲۷/۸۶	۱۰	./۰۰۰	H_0 رد می‌شود (روش اثرات ثابت مناسب است)

آزمون ناهمسانی واریانس

به منظور بررسی ناهمسانی واریانس از آزمون بروش پاگان استفاده شده است. چنانچه سطح معناداری، آماره آزمون بیشتر از ۵ درصد باشد نشان‌دهنده همسانی واریانس بوده و نشان می‌دهد مدل تحقیق دارای کارایی لازم برای آزمون فرضیه‌ها می‌باشد. نتایج آزمون ناهمسانی واریانس نشان‌دهنده ناهمسانی واریانس مدل می‌باشد در نتیجه در تخمین مدل باید از روش GLS استفاده شود.

جدول ۴. آزمون ناهمسانی واریانس

شرح	آماره	سطح معناداری	نتیجه
آزمون ناهمسانی	۹/۸۲۹	./۰۰۰	همسان بودن واریانس مدل پذیرفته نمی‌شود

آزمون فرضیه‌ها

آزمون دوربین واتسون:

آماره دوربین واتسون پس از برآورد ضرایب، مقدار $1/95$ را نشان می‌دهد که به معنی عدم وجود همبستگی پیاپی در جزء اخلاص می‌باشد. نتیجتاً مشکل خودهمبستگی سریالی فرضیه‌ها مشاهده نمی‌شود.

آماره F فیشر:

قبل از آزمون فرضیه پژوهش براساس نتایج به دست آمده، باید از صحت نتایج اطمینان حاصل نمود. بدین منظور برای بررسی معناداری کل مدل از آزمون F استفاده گردید. با توجه به مقادیر سطح معنی‌داری بدست آمده برای آماره F به میزان $145/52$ می‌توان ادعا نمود که مدل رگرسیونی برازش شده معنادار است.

ضریب تعیین (R^2):

با توجه به ضریب تعیین مدل برازش شده می‌توان ادعا نمود، حدود ۶۰ درصد از تغییرات در متغیر وابسته مدل توسط متغیرهای مستقل توضیح داده می‌شود.

جدول ۵. نتایج آزمون فرضیه‌ها

شرح	ضریب	آماره تی	سطح معناداری	VIF
عرض از مبدا	۰/۴۵	۹/۹۸	*۰/۰۰۰	-
استقلال هیات مدیره	۰/۱۳	۴/۱۲	*۰/۰۰۰	۱/۰۰۸
لگاریتم تعداد اعضای هیات مدیره	۰/۰۲	۰/۷۰۱	۰/۴۶۵	۱/۱۲۵
دوگانگی وظیفه مدیرعامل	۰/۰۵	۰/۹۵	۰/۳۰۴	۱/۰۵۱
استقلال رییس هیات مدیره	۰/۰۰۵	۰/۵۸۵	۰/۵۵۸	۳/۱۲۷
لگاریتم اعضای کمیته حسابرسی	۰/۰۱	۲/۹۱	*۰/۰۰۳	۲/۲۳۱
استقلال کمیته حسابرسی	۰/۰۲	۷/۷۹	*۰/۰۰۰	۱/۲۰۳
اندازه شرکت	-۰/۰۷	-۵/۳۲	*۰/۰۰۰	۴/۶۳۶
نسبت بدهی‌ها	-۰/۷۹	-۱۲/۷۲	*۰/۰۰۰	۴/۶۵
سودآوری	۰/۰۱۹	۲/۷۹۳	*۰/۰۰۵	۱/۳۲۴
تمرکز مالکیت	-۰/۰۴۱	-۰/۶۹۲	۰/۴۸۸	۱/۲۳۵
Adjusted R-squared				۰/۶۰
F-statistic				۱۴۵/۵۲
Prob(F-statistic)				۰/۰۰۰
D.W				۱/۹۵

با توجه به ستون آخر جدول شماره (۵) مقدار VIF برای کلیه متغیرهای مستقل کمتر از (۵) $VIF <$ می‌باشد؛ بنابراین بین متغیرهای مستقل هم‌خطی وجود ندارد؛ بنابراین مدل برازش شده دارای اعتبار می‌باشد.

نتیجه آزمون فرضیه اول

ضریب برآوردی متغیر مستقل استقلال هیات مدیره در جدول فوق نشان‌دهنده وجود رابطه معنادار با افشای اختیاری در شرکت‌های پذیرفته شده بورس اوراق بهادار در سطح خطای ۰۰۰۵ است. زیرا میزان p -value محاسبه شده برای ضریب این متغیر مستقل تحقیق، کمتر از ۰۰۰۵ بدست آمده است. بنابراین می‌توان گفت که بین استقلال هیات مدیره و افشای اختیاری رابطه معناداری وجود دارد.

نتایج آزمون فرضیه دوم

ضریب برآوردی متغیر مستقل اندازه هیات مدیره در جدول فوق نشان‌دهنده عدم وجود رابطه معنادار با افشای اختیاری در شرکت‌های پذیرفته شده بورس اوراق بهادار در سطح خطای ۰۰۰۵ است. زیرا میزان p -value محاسبه شده برای ضریب این متغیر مستقل تحقیق، بیشتر از ۰۰۰۵ بدست آمده است. بنابراین می‌توان گفت که بین اندازه هیات مدیره و افشای اختیاری رابطه معناداری وجود ندارد.

نتایج آزمون فرضیه سوم

ضریب برآوردی متغیر مستقل دوگانگی وظیفه مدیرعامل در جدول فوق نشان‌دهنده عدم وجود رابطه معنادار با افشای اختیاری در شرکت‌های پذیرفته شده بورس اوراق بهادار در سطح خطای ۰۰۰۵ است. زیرا میزان p -value محاسبه شده برای ضریب این متغیر مستقل تحقیق، بیشتر از ۰۰۰۵ بدست آمده است. بنابراین می‌توان گفت که بین دوگانگی وظیفه مدیرعامل و افشای اختیاری رابطه معناداری وجود ندارد.

نتایج آزمون فرضیه چهارم

ضریب برآوردی متغیر مستقل استقلال رییس هیات مدیره در جدول فوق نشان‌دهنده عدم وجود رابطه معنادار با افشای اختیاری در شرکت‌های پذیرفته شده بورس اوراق بهادار در سطح خطای ۰۰۰۵ است. زیرا میزان p -value محاسبه شده برای ضریب این متغیر مستقل تحقیق، بیشتر از ۰۰۰۵ بدست آمده است. بنابراین می‌توان گفت که بین استقلال رییس هیات مدیره و افشای اختیاری رابطه معناداری وجود ندارد.

نتایج آزمون فرضیه پنجم

ضریب برآوردی متغیر مستقل اندازه کمیته حسابرسی در جدول فوق نشان‌دهنده وجود رابطه معنادار با افشای اختیاری در شرکت‌های پذیرفته شده بورس اوراق بهادار در سطح خطای ۰۰۰۵ است. زیرا میزان **p-value** محاسبه شده برای ضریب این متغیر مستقل تحقیق، کمتر از ۰۰۰۵ بدست آمده است. بنابراین می‌توان گفت که بین اندازه کمیته حسابرسی و افشای اختیاری رابطه معناداری وجود دارد.

نتایج آزمون فرضیه ششم

ضریب برآوردی متغیر مستقل استقلال کمیته حسابرسی در جدول فوق نشان‌دهنده وجود رابطه معنادار با افشای اختیاری در شرکت‌های پذیرفته شده بورس اوراق بهادار در سطح خطای ۰۰۰۵ است. زیرا میزان **p-value** محاسبه شده برای ضریب این متغیر مستقل تحقیق، کمتر از ۰۰۰۵ بدست آمده است. بنابراین می‌توان گفت که بین استقلال کمیته حسابرسی و افشای اختیاری رابطه معناداری وجود دارد.

نتیجه‌گیری و بحث

در این تحقیق به بررسی رابطه بین حاکمیت شرکتی، کمیته حسابرسی و افشای اختیاری در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداخته شد. نتایج نشان داد متغیرهای استقلال هیات مدیره، اندازه کمیته حسابرسی و استقلال کمیته حسابرسی با افشای اختیاری رابطه معناداری داشتند. در این خصوص می‌توان بیان داشت هیات مدیره بالاترین مرجع تصمیم‌گیری در سازمان‌ها اعم از کوچک و بزرگ است. انتخاب و عزل بالاترین مقام اجرایی سازمان و همچنین تصویب بسیاری از تصمیم‌های مهم سازمان و نظارت بر اجرای آن به وسیله آن‌ها انجام می‌شود. از آنجا که مسئولیت اعضای هیات مدیره دارای ارتباط نزدیکی با مدیرعامل است انتظار می‌رود وظیفه نظارت بر مدیریت به طور عمده برعهده‌ی اعضای غیرموظف هیات مدیره قرار گیرد، بنابراین اعضای غیرموظف هیات مدیره شرکت‌ها به عنوان یک سازوکار کنترل با تحت فشار قرار دادن مدیر به افشای داوطلبانه و اختیاری اطلاعات در جهت حل مشکل نمایندگی بین مدیران و سهامداران نقش مهمی را ایفا می‌کنند. نتایج به دست آمده با نتایج الگرنینی و گریکو (۲۰۱۳) مطابقت دارد. با توجه به نتایج به دست آمده پیشنهاد می‌گردد، سازمان بورس در رتبه‌بندی‌های شرکت به مقوله افشای اختیاری توجه نماید تا بعنوان محرکی برای افشای بیشتر باشد چرا که بسیاری از سهامداران از گذشته نگرشی گزارش هیات مدیره گله‌مند هستند و افزایش تعداد مدیران غیرموظف نیز حلال مشکل خواهد بود، تدوین آیین‌نامه-

ای برای حضور حداقل یک عضو غیرموظف مستقل در هیات مدیره‌ها شرکت بخصوص شرکت‌های سهامی عام حاضر در بورس اوراق بهادار تهران، همچنین الزام به ایجاد کمیته حسابرسی در شرکت‌ها و حضور اعضای غیرموظف در کمیته حسابرسی، همچنین به محققین در انجام تحقیقات آتی پیشنهاد می‌شود، به بررسی رابطه بین متغیرهای مبتنی بر مالکیت و افشای اختیاری پرداخته شده و همچنین به بررسی اثر ساختار سرمایه بر افشای اختیاری پرداخته گردد.

منابع

۱. پارچینی، سیدمهدی، (۱۳۸۸). رابطه بین افشای اطلاعات اختیاری و اعضای غیرموظف هیات مدیره. پایان‌نامه کارشناسی ارشد حسابداری، دانشگاه مازندران، دانشکده علوم اقتصادی و اداری.
۲. خدای‌پور، احمد؛ و رامین محرومی. (۱۳۹۱). تأثیر افشای داوطلبانه بر مربوط بودن سود هر سهم. فصلنامه علمی پژوهشی حسابداری مدیریت، شماره (۱۴)، ۱۲-۱.
۳. ستایش، محمدحسین، روستا، منوچهر و علیزاده، وحید. (۱۳۹۳). بررسی ارتباط بین افشای داوطلبانه و عملکرد شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. فصلنامه پژوهش‌های تجربی حسابداری مالی. شماره ۱. صص ۱۵۳-۱۶۸.
۴. فخاری، حسین؛ و نرگس فلاح‌محمدی. (۱۳۸۸). بررسی تأثیر افشای اطلاعات بر نقدشوندگی سهام شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. تحقیقات حسابداری، شماره (۴)، ۱۶۳-۱۴۸.
۵. کاشانی‌پور، محمد؛ رحمانی، علی؛ و سیدمهدی پارچینی. (۱۳۸۸). رابطه بین افشای اختیاری و مدیران غیرموظف. فصلنامه‌ی بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، شماره (۵۷)، ۱۰۰-۸۵.
۶. مهدوی‌پور، علی؛ موسوی شیری، محمود؛ و علی‌رضا کریمی ریابی. (۱۳۸۹). قدرت عوامل مؤثر بر افشای اطلاعات مالی از طریق اینترنت در وبسایت شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. تحقیقات حسابداری، شماره (۵)، ۱۶۰-۱۴۲.
7. Allegrini, M. Greco, G. (2013). Corporate boards, audit committees and voluntary disclosure: evidence from Italian Listed Companies, J Manag Gov (2013)

17:187-216

DOI 10.1007/s10997-011-9168-3

8. Fama, E. and Jensen, M., 1983, Separation of ownership and control, *Journal of Law and Economics*, Vol.26, pp.301-326.
9. Heitzman, S; Wasley, C; and J. Zimmerman. (2010). The joint effect of materiality thresholds and voluntary disclosure incentives on firms disclosure decisions. *Journal of Accounting and Economics*, Vol. 49 (1) , pp. 109-132.
10. Hendriksen, E. S; and M. F. Van Breda. (1992). *Accounting Theory, 5th edition. United States of America: IRWIN. Inc.*
11. Hossain, M. ; and H. Hammami. (2009). Voluntary disclosure in the annual reports of an emerging country: The case of Qatar. *Advances in Accounting. Incorporating Advances in International Accounting*, Vol. 25 (2) , pp. 255-265.
12. Iatridis, G. and P. Alexakis. (2012). Evidence of voluntary accounting disclosures in the Athens Stock Market. *Review of Accounting and Finance*, Vol. 11 (1) , pp. 73 - 92.
13. Jiao, Y. (2011). Corporate disclosure, market valuation, and firm performance, *Financial Management*, Vol, 40, pp. 647-676.
14. Matolcsy, S.L.Z., and Chow, D., 2007, The Association between Board Composition and Different Types of Voluntary Disclosure, *European Accounting Review*, Vol.16, No.3, pp. 555-583.
15. Uyar, A; Kilic, M. ; and N. Bayyurt. (2013). Association between firm characteristics and corporate voluntary disclosure: Evidence from Turkish listed companies. [http://www. redalyc. org/articulo. oa?id=54929516007](http://www.redalyc.org/articulo.oa?id=54929516007).